

بازخوانی کتاب عقل از اصول کافی

علی شمس^۱

دریافت: ۱۳۹۲/۹/۱۵ - پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۱۵

چکیده

اصول کافی از نظر قدمت، جامع بودن، کثرت احادیث و ترتیب خاص، اعتبار روایات و مشتمل بودن بر معارف الهی و اخلاق و احکام، سرآمد کتاب‌های حدیثی شیعه است. از آنجا که پرداختن به مبانی اعتقادی نیازمند اثبات و اعتبار عقل است، مرحوم کلینی محمد بن یعقوب، با استناد به روایات متعدد به این بحث پرداخته است. مقاله حاضر در پی اشاره بدین نکته است که گرچه مرحوم کلینی، این کتاب را بر مبنای نقل پایه‌ریزی کرده، اما رویکرد عقلانی ایشان به گونه‌ای است که این دیدگاه را تقویت می‌کند و در پی تأکید بر جایگاه عقل در مکتب کلامی شیعه است.

کلیدواژه‌ها: عقل، عقل‌گرایی، شیخ کلینی، جهل، عقلانیت.

مقدمه

در سال‌های آغازین گسترش معارف اسلامی، علما و محدثان بزرگ شیعی، در تنظیم آثار حدیثی و تعالیم دینی ابتکار عمل به کار بردند. ثقة الاسلام کلینی یکی از علمای بزرگ اسلامی و شیعی است که کتاب مهم خود الکافی را با کتاب «العقل و الجهل» آغاز کرده است. این روش، نشانه اهمیت و ارزش عقل نزد اصحاب حدیث و

۱. بنیاد پژوهش‌های اسلامی - گروه کلام و حکمت اسلامی.

جایگاه بلند آن در فهم معارف دینی است، تا آنجا که دانشمندان جهان اسلام، این روش مرحوم کلینی را آغازی برای مقابله با روش عقل ستیزی اخباریون می‌دانند. مرحوم کلینی با آوردن بحث عقل در الکافی در مقابل افراط و تفریط ایستادگی کرد. در آن زمان افراطی‌ها مانند معتزله، در اوج عقل‌گرایی بودند و تفریطی‌ها مانند اصحاب حدیث، پای عقل را بسته بودند، اما روش که مرحوم کلینی در پیش گرفته بود بر نوعی عقل‌گرایی استوار بود که با همه افکار موجود در آن زمان سازگاری داشت. وی به پیروی از امامان معصوم علیهم‌السلام به خصوص مکتب امام محمد باقر علیه‌السلام و امام جعفر صادق علیه‌السلام عقل‌گرایی را ارائه نمود تا همه تشنگان و مشتاقان معارف حقه اسلامی خود را سیراب نمایند و سعی کرد ضمن تأکید بر اهمیت تعقل در دین از یک سو و پرهیز از خردگرایی افراطی از سوی دیگر، نوعی عقل دینی تعریف نماید و آن را در نقش بستر دین‌داری به عنوان مبنا و اساس کتاب خود برگزیند. در این نوشتار، نخست به معرفی مرحوم کلینی و سپس به بررسی عقل‌گرایی وی پرداخته می‌شود.

اوضاع اجتماعی و دینی عصر کلینی

دوره زندگی مرحوم کلینی در قرن سوم و چهارم هجری، از جهات گوناگون، دوره‌ای پر آشوب و به شدت تأثیرگذار بر دوره‌های پس از خود بوده است. ضعف و افول خلافت عباسی، روند روزافزون پیدایش مکاتب و دیدگاه‌های متنوع، نهضت تدوین متون در حوزه‌های گوناگون فرهنگ اسلامی و شدت گرفتن منازعات و مجادلات فرقه‌های اسلامی و ادیانی که با مسلمانان در تماس بودند، از مهم‌ترین شاخصه‌های این دوره است که هر یک به گونه‌ای در تدوین مجموعه الکافی تأثیرگذار بوده‌اند.^۱

۱. معمودی، علی، *مجموعه مقالات فارسی*، «جایگاه و بازتاب کلامی کتاب الکافی در بازسازی مذهب شیعه»، ج ۲، ص ۲۷۹.

روش‌شناسی کلینی در الکافی

در همان سال‌های آغازین گسترش معارف اسلامی، علما و محدثان بزرگ اسلامی، مخصوصاً شیعی، در تنظیم آثار حدیثی و تعالیم دینی ابتکار عمل به کار بردند که قابل دقت و تحلیل است؛ برای مثال، ثقة الاسلام کلینی کتاب مهم خود، الکافی را با کتاب عقل و جهل آغاز کرده است. این روش، نشانه اهمیت والای عقل نزد اصحاب حدیث و جایگاه بلند آن در فهم معارف دینی است، تا آنجا که به تحلیل بعضی از اندیشمندان^۱، این روش مرحوم کلینی، آغازی برای مقابله با روش عقل‌ستیزی اخباریون می‌باشد. «به احتمال بسیار قوی، او که کتاب خود را از دیدگاهی اصولی می‌نوشت می‌خواست حکمی علیه رویکرد انتقادی از روش‌های اصولی و رد آن روش‌ها از طرف علمای اخباری زمان خود، صادر کند».^۲ مرحوم کلینی در خطبه کتاب الکافی در بیان دلیل انتخاب کتاب عقل و جهل به عنوان بخش آغازین کتاب خود می‌گوید: «اذ كان العقل هو القطب الذي عليه المدار»^۳، همچنان که در موارد متعددی می‌یابیم که او به تبیین عقلانی احادیث پرداخته است؛ برای نمونه می‌توان به تحلیل عقلی او در تمییز صفات ذات از صفات فعل حق تعالی، ذیل باب چهاردهم کتاب التوحید اشاره نمود. مهم‌ترین که در بعضی موارد، به صراحت عبارات و مفاهیم فلسفی را در تبیین احادیث به کار می‌گیرد، چنان که عبارات او ذیل احادیث باب جوامع همین کتاب، شاهد این مدعا است.

مرحوم کلینی با آوردن بحث عقل در الکافی، در مقابل افراط و تفریط نیز ایستاده در آن زمان افراطی‌ها، مانند معتزله، در اوج عقل‌گرایی بودند و تفریطی‌ها، مانند اصحاب حدیث، پای عقل را بسته بودند، اما روشی که مرحوم کلینی در پیش گرفت، بر نوعی عقل‌گرایی استوار بود که با همه افکار موجود در آن زمان سازگاری داشت و هر گروهی،

۱. حائری یزدی، مهدی، شرح اصول کافی (کتاب العقل والجهل، کتاب التوحید)، تقریر پرویز پویان،

ص ۱۴.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۹.

۳. همان.

چه اهل حدیث و چه معتزله و... از آن بهره می‌بردند؛ چرا که از يك سو، وجه مشترك همگان در عقل‌گرایی، ارزش و اهمیت دادن به عقل و از سوی دیگر، وجه مشترك اصحاب حدیث، ارزش‌گذاری تنها به احادیث و روایات بود و در این شاهراه، همگی به یکدیگر وصل می‌شدند، به‌گونه‌ای که هر يك از دیدگاه خود، احادیث الكافی را تبیین و تفسیر می‌نمودند. به نظر می‌رسد که مرحوم کلینی به پیروی از امامان معصوم، به خصوص مکتب امام محمد باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام این گونه عقل‌گرایی را مطرح کرد. که هر يك از شارحان کتاب *الكافی*، معانی متعددی از عقل را ارائه نموده‌اند؛ به بیان دیگر، عقلانیتی که مرحوم کلینی ارائه نموده است، همه تشنگان و مشتاقان معارف اسلامی را سیراب می‌کند و کسی را دست خالی رها نمی‌کند. در ادامه به شرح و تفصیل درباره آن پرداخته می‌شود.

مرحوم حائری یزدی در این باره می‌نویسد: «کلینی کتاب خود را با این کتاب آغاز می‌کند. وی در مقدمه، دلیل این انتخاب را آن می‌شمرد که عقل، معیار تکلیف و ثواب و عقاب الهی است. او در این کتاب سعی دارد به اهمیت تعقل در دین از يك سو پرهیز از خردگرایی افراطی و تعب‌دگریزی از سوی دیگر توجه داده، نوعی عقل دینی تعریف نماید و آن را در نقش بستر دین‌داری به عنوان مبنا و اساس کتاب خود برگزیند. شرح اصول کافی، عمل طریقت و شریعت با هم است نکاتی در این کتاب آمده که در *اسفار* نیست. عظمت این کتاب بیشتر از *اسفار* است. این کتاب اقیانوس است که مشتمل بر يك سری مطالب فلسفی و کلامی است که فهم آن به مقدمات قبلی نیاز دارد.^۱

درنگی در کتاب العقل و الجهل

اولین باب اصول اعتقادی، کتاب عقل و جهل است؛ زیرا تا عقل را نشناسیم، نمی‌توانیم وارد بحث توحید شویم. عقل، هر چه که باشد، در عالم ثبوت در رتبه دوم وجود است، اما در عالم اثبات و از لحاظ شناسایی و معرفت‌شناسی برعکس است؛

۱. حائری یزدی، مهدی، شرح اصول کافی (کتاب العقل و الجهل، کتاب التوحید)، ص ۱۵.

عقل مقدّم بر توحید است؛ زیرا برای درك توحید به عقل نیاز مبرم داریم؛ اما امتیازی که در تقدّم توحید بر عقل وجود دارد، آن است که هر چه هست، از آفریدگار یکتاست؛ اوّل و آخر خداست. در توحید همه چیز هست، حتی خود عقل.

اما جهل صفت منفی خاصی است که ویژه انسان است؛ یعنی انسان قابلیت درك معلومات را دارد و وقتی علمی را کسب نکند جاهل به آن علم محسوب می شود؛ بنابراین این، جهل صفتی است که از زمان تولد بر ذات انسانی عارض می شود که آمادگی عاقل شدن را داشته باشد. وقتی جهل را این گونه تعریف کنیم. عقل که به قرینه تقابل، در مقابل این تعریف قرار می گیرد، نیز صفت مخصوص انسان خواهد بود؛ بنابراین، دیگر نمی توان عقل را يك موجود مجرّد معنا کرد. اما می بینیم که در همین بخش، از عقل به عنوان يك موجود مجرّد نیز یاد شده است، پس معلوم می شود که عنوان کتاب با محتوای آن سازگاری ندارد. اما شاید تقابل این دو در کتاب، تقابل منطقی نباشد، بلکه تقابل ائتفاقی باشد و شاید مقصود، عنوان کلی بوده تا هر روایتی که تحت عنوان عقل است، ذیل این عنوان قرار گیرد.^۱

سخن ما در اینجا درباره تقابل عقل و جهل نیست تا تقابل منطقی مراد باشد یا تقابل ائتفاقی؛ سخن ما در این است که راه و روش مرحوم کلینی در امور عقلی بدان سان که از اهل بیت وارد شده، کاملاً محسوس است؛ یعنی هم عقل و هم نقل تکیه و اعتماد ائمه اطهار بر مبانی اصیل عقلی را به خوبی در این کتاب می توان یافت و مرحوم کلینی به عنوان شاگرد، دیدگاه مکتب اهل بیت را در مباحث عقلی، بدون تصریح به مطلب، شناسانده است.

عقل در مکتب شیعه و سنی در عصر کلینی

ابتدای تشکیل مکتب تشیع در اوایل قرن دوم هجری، گرایش غالب، با بحث های کلامی مخالف بوده است؛ زیرا گرایش یاد شده بر این پایه استوار بود که چون امام،

۱. شرح اصول کافی، ص ۲۲-۲۳.

بالترین و عالی‌ترین مرجع شریعت است، همه سؤالات و استفتاءات باید به او ارجاع داده شود و رهنمودهای او، که از نظر شیعیان حقیقت خالص و بیانگرواقع بود، پیروی گردد؛ بنابراین، مجالی برای اجتهاد و استدلال عقلانی و به تبع آن بحث و مناظره و زورآزمایی در مباحث دینی باقی نمی‌ماند. میان دانشمندان شیعه و اصحاب ائمه با متکلمان دیگر آن دوره يك تفاوت آشکار و اساسی وجود داشت و آن جایگاهی بود که به عقل و فکر بشری در ایدئولوژی هر گروه داده می‌شد^۱، متکلمان اهل سنت، عقل و استدلال عقلانی را مرجع تصمیم‌گیرنده نهایی می‌دانستند و نتیجه آن هر چه بود، باید پیروی می‌شد؛ اما عقل برای متکلمان شیعه، ابزار بود و منبع اعلاى دانش و مرجع نهایی آگاهی و کشف واقع، امام بود که آنان قواعد و مبانی کلامی خود را از تعلیمات وی می‌گرفتند. اینان به تقدّم نقل بر عقل باور داشتند و درجه امام را برتر از عقل می‌دانستند؛ بدین سان استفاده از عقل به عنوان ابزار و نه منبع تا یکصد سال بعد، یعنی تا اواسط قرن سوم هجری، به عنوان ویژگی اصلی کلام شیعه باقی ماند. متکلمان شیعه این دوره از قبیل علی بن اسماعیل میثمی، علی بن منصور، یونس بن عبدالرحمن قمی، ابوجعفر سگاک و فضل بن شاذان نیشابوری، که آرای کلامی آنان در کتاب‌های و منابع عمومی قدیم ثبت شده است، همه به این گرایش و خط فکری وابسته بوده‌اند.^۲ در طول قرن سوم هجری، آثار غلات، به خصوص آثار مفوضه، شکوفایی فراوانی یافت. این گروه تا اواسط قرن مزبور در جامعه شیعه بسیار نفوذ کردند و کوشیدند که برگرایش معتدل‌تری پیروز آیند و خود را به عنوان مفسر و نماینده معتبر مذهب معرفی کنند. علمای قم نیز تصمیم گرفتند که هر کسی را که به ائمه نسبت امور فوق بشری بدهد، به عنوان غالی معرفی و از شهر خود اخراج کنند.^۳ این گرایش، ائمه را انسان‌های والایی می‌دانست که به طور اخص، مشمول فیض و برکت و نظر عنایت الهی بودند و به همین دلیل، از نظر خلقت و

۱. همان.

۲. اخوان، محمد، «کلینی و عقل‌گرایی»، *آینه پژوهش*، شماره ۸۱، ص ۲۶۷.

۳. *مجموعه مقالات فارسی‌کنگره بین‌المللی کلینی*، ج ۱، ص ۱۹۲ - ۱۹۴.

فطرت خود با انسان‌های عادی فرق می‌کردند، ولی نه به آن صورت‌های غلوآمیز که مَفْوضه می‌گفتند. این گرایش معتقد بودن که چون ائمه اطهار، پاک‌ترین افراد بشر و نزدیک‌ترین آنان به پروردگارانند، منشأ برکات‌اند و وجود آنان واسطه بسیاری از فیوضات حق است؛ اما این هرگز به آن معنا نیست که آنان در کارهای خداوند، مانند خلق، رزق، حیات و مرگ تصرفی داشته باشند.

بخش‌هایی از موارث فکری مَفْوضه از اواخر قرن چهارم در سنت شیعه نفوذ کرد و به تدریج مقبولیت یافت. البته در مجموعه‌های حدیثی، مدت‌ها بود که راه یافته و حضور چشمگیری پیدا کرده بود، به خصوص در مجموعه‌های بزرگی، مانند کتاب الکافی که به سبب بزرگی و گستردگی آن، به ناچار شماری احادیث ضعیف در آن راه یافت.^۱

کلینی و عقلانیت

در میان اصحاب ائمه، به ویژه یاران امام محمد باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام، به دو گروه متفاوت برمی‌خوریم؛ گروهی که به «متکلم» معروف‌اند و گروهی که آنان را «محدث» یا «فقیه» می‌خوانند. از گروه نخست، هشام بن حکم، هشام بن سالم و حرمان اعین و از گروه دیگر محمد بن مسلم، احمد بن محمد بن خالد و محمد بن حسن صفار را می‌توان نام برد.^۲

از قرن سوم، که مقارن با عصر تقیه و دوران غیبت ائمه است، به تدریج این دو جریان کلامی و حدیثی از یکدیگر فاصله گرفت و در نهایت به دو دیدگاه متفاوت تبدیل گشت. بارزترین شخصیت‌های کلامی را در خاندان نوبختی باید جست و بزرگ‌ترین نمایندگان نص‌گرایی را محدثان قم و ری می‌توان شمرد.^۳ اهتمام مرحوم کلینی در این دوره بر حفظ این دو گروه، یعنی عقل‌گرایی و نص‌گرایی، بوده است. او احساس کرده بود

۱. مکتب در فرایند تکامل، ص ۸۲.

۲. سبحانی، محمدتقی، «عقل‌گرایی و نص‌گرایی» نقد و نظر، شماره ۳ و ۴، ص ۹۳.

۳. همان.

که نبود هر يك از این گروه‌ها، بیش از فایده ضرر خواهد داشت.

همان‌طور که گفته شد، در زمان امامان معصوم علیهم‌السلام بسیاری از علما می‌پنداشتند که چون به امام دسترسی هست و امام نیز به منزله منبع و منشأ به شمار می‌آید، دلیلی ندارد تا به عقل نیز به عنوان منبع مستقل نگاه شود؛ اما با این حال نمی‌توان عقل را هیچ‌انگاشت، بلکه می‌توان آن را به عنوان ابزار و وسیله به خدمت گرفت. اما اکنون، یعنی در دوران مرحوم کلینی، که دسترسی به امام مقدور نیست، چه باید کرد؟ یا باید پای عقل را به عنوان منبع مستقل کوتاه کرد و یا اینکه باید آن را به عنوان منبع مستقل پذیرفت. به نظر می‌رسد دانشمندانی چون مرحوم کلینی با نقل احادیث و با استفاده از بیانات ائمه، آرام آرام به این سوی کشانده شدند که عقل به عنوان منبع مستقل و جدا در کنار وحی قرار بگیرد و این «خود کمک شایانی برای فهم بهتر و درست از بیانات و خطابات ائمه بود. عقلانیتی که مرحوم کلینی در نوشته‌ها و آثارش از آن سخن گفته و آن را به کار برده، نیز از همین الگو و روش پیروی نموده است. دشواری کار مرحوم کلینی در این بود که او از يك سو با کسانی روبه‌رو بود که به تعبیر خودش «چون مردم در ظاهر به دین اسلام گرویده‌اند، ولی مقرراتش را به دلخواه و طبق عادت و تقلید از پدران و نیاکان و بزرگان، باور کرده در مطالب مهم و غیرمهم به عقل خود تکیه و اعتماد می‌کنند»^۱. از سوی دیگر به خوبی واقف بود که «عقل، محوری است که همه مدار بر آن است و سود و زیان، ثواب و عقاب و کیفر متوجه اوست»^۲. بنابراین، عقلانیتی که مرحوم کلینی به آن گرایش نشان داده، عقلی است که به عنوان منبع مستقل در نظر گرفته شده و این، همان عقلی است که مورد تأیید و امضای امام معصوم هم قرار گرفته است. بدین سان علمای پس از امام، با توجه به سخنانی که از آنان به جای مانده و نیز با بهره‌گیری از عقل به عنوان يك منبع مستقل می‌توانند نقش امام معصوم را در زمان غیبت ایفا کنند و در غیراین صورت،

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، ج ۱، ص ۲.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۰.

استنباط آنان ناقص خواهد ماند؛ همان طور که می‌گوید: «پس سزاوارتر چیزی که عاقل بگیرد و متفکر باهوش آن را جوید و شخص با توفیق و درست رو، در آن کوشد همانا علم دین و شناختن روش، عبارتی است که خدا از خلقش خواسته و آن توحید و مقررات و احکام و امر و نهی و جلوگیری‌ها، آداب او می‌باشد؛ زیرا حجّت، تمام است و تکلیف، لازم و عمر، کوتاه و تأخیر، ناپذیرفته و در روش عبادتی که خدا از خلقش خواسته، شرط است که تمام واجبات را مردم از روی علم و یقین و بصیرت به جا می‌آورند که در این صورت به جای آورنده آنها نزد خدا، پسندیده و سزاوار ثواب و پاداش بزرگ او گردد»^۱.

مرحوم کلینی در توصیف اصول و پایه‌های عقلانیت، دقت فراوانی نموده است. او در مقدمه ارزشمند کتاب خود، روش تحصیل معرفت صحیح، یعنی شناخت حدیث صحیح از غیر صحیح را نشان می‌دهد. اطمینان بخش این روش، وابسته به بازبینی متن است که با بررسی درجه صحت متن حدیث، مطابق بیان ذیل به دست می‌آید: «ای برادر- که خداوند تو را هدایت کند - کس را نشاید که به نظر خویش، روایات مختلفی را که از امامان رسیده است، تشخیص دهد، مگر به دستور خود امام (اشاره به روایاتی دارد که مرحوم کلینی از آنها نقل حدیث کرده و آن به یکی از سه راهی است که فرموده‌اند : الف - حدیث را با قرآن بسنجید؛ هر یک مطابق با قرآن بود، بگیرید و هر یک که مخالف با آن بود، رها کنید.

ب - احادیثی را که موافق عامه (اهل سنت) است، رها کنید؛ زیرا هدایت ما در مخالفت با ایشان است.

ج - حدیثی که مورد اتفاق (اجماعی) است، بگیرید؛ زیرا در مورد اتفاق تردیدی نیست). با این دستور، تنها اندکی از روایات را می‌توانیم تشخیص بدهیم و درباره دیگر روایات، راهی روشن‌تر و محتاط‌تر از این نمی‌دانیم که علم به آنها را به خود امام ارجاع دهیم و دستور آسانی را که در این باره فرموده است، بپذیریم: «به هر یک از دو حدیث که

۱. همان، ج ۱، ص ۶.

گردن نهدید، بر شما جایز است»^۱.

مرحوم کلینی، از يك سو می‌گوید که اگر مردم به عقل خود تکیه می‌کنند گمراه می‌گردند و از سوی دیگر می‌گوید که انسان تکالیف و ... را باید از روی علم و یقین تحصیل کند؛ یعنی این گونه نیست که در احکام دین تعقل صورت نگیرد و چشم بسته همه مطالب و آموزه‌های دین پذیرفته شود. شاید در اینجا مقصود این باشد که می‌توان آموزه‌های دینی را به کمک عقل درست فهمید، نه اینکه آموزه‌های دینی باید به تأیید عقل برسد.

بدین سان معلوم می‌شود که مرحوم کلینی تا آنجا برای عقل اهمیت قائل بود که ائمه معصوم بدان اهمیت می‌دادند؛ زیرا ائمه نیز متکلمان شیعه را در رفتن به این راه تشویق می‌کردند و توانایی برجستگان زبردست را در این گونه جدل‌ها و خدمات آنان را به دفاع از مکتب تشیع می‌ستودند و هراز چندگاهی به آنان خاطر نشان می‌کردند که استدلال عقلی تنها به عنوان ابزار در جدل مفید و خوب است، ولی نباید آن را اساس عقیده قرار داد؛ چرا که قلمرو دین، وحی است نه عقل.^۲

برای فهم درست کار ارزشمند مرحوم کلینی، مهم این است که با توجه به مواردی که به روش عقل‌گرایی ایشان اشاره دارد، به نظری که تقریباً حکایت‌گرو ناظر بر رویکرد اختصاصی مرحوم کلینی باشد، دست یابیم. باید دید با توجه به اینکه الکافی تنها اثر مرحوم کلینی است که به دست ما رسیده و دیگر آثارش به صورت نسخه است، این مطلب چگونه فهمیده می‌شود؟ به نظر می‌رسد انتخاب خاص او از احادیثی که بر ارزش عقل تأکید دارد، این پیام را برای ما دارد که مرحوم کلینی می‌کوشد با استفاده از کلام اهل بیت، از دیدگاه شیعه در آن عصر حمایت نماید و حقی را برای شیعه در استفاده و بهره‌وری از عقل حفظ کند. از این رو مرحوم کلینی تصمیم گرفت تا با مطرح کردن کتاب

۱. همان، ج ۱، ص ۹.

۲. سبحانی، محمدتقی، «عقل‌گرایی و نص‌گرایی» نقد و نظر، شماره ۳ و ۴، ص ۹۳.

عقل، هم وارد میدان عقلانیت شود و هم از بیانات بزرگان و اهل بیت بهره‌گیری نماید. بنابراین، روایت کلامی اصول کافی که نزدیک به يك چهارم کتاب را تشکیل می‌دهد، از اهمیت فراوانی در شکل‌دهی به مکتب کلامی شیعه برخوردار بوده است. مرحوم کلینی در رده‌بندی کلامی الکافی، نظامی ابتکاری پدید آورده است که از يك سوناظر به مسائل محوری آن دوره در منازعات فرق و مذاهب بوده و از سوی دیگر، تلاش نموده است تا در تربیتی منطقی، مهم‌ترین مباحث عقلی را در کتاب خود پوشش دهد.^۱

نتیجه

همه شارحان کتاب الکافی تعاریف گوناگونی برای عقل ارائه نموده‌اند، اما وجه اشتراك همگی در این است که مقصود از عقل، چنان که از همه روایات این باب استفاده می‌شود، همان قوه تشخیص و ادراک و وادارکننده انسان به نیکی و صلاح و بازدارنده او از شر و فساد می‌باشد. از دیدگاه معناشناسی نیز این تعریف از عقل، همه تعاریف دیگر را در بردارد. این عقل، حقیقتی است که قابل صدق بر عقل نظری، عقل عملی و... می‌باشد. و این، همان عقل‌گرایی است که شخصیتی مانند مرحوم کلینی بدان تمسک نموده است. سخن گفتن و شکافتن ابعاد این تعریف، که ریشه در وحی نیز دارد، کاری شایسته و بایسته است که باید انجام پذیرد. و این، یکی از اهداف عقل‌گرایی مرحوم کلینی بوده است تا هم جایگاه عقل و هم میزان پابندی علمای امامیه به عقل را نشان دهد؛ کاری که در کتب حدیثی دیگر فرقه‌ها و مذاهب انجام نشده و به صورت کتاب یا باب جداگانه‌ای در ابتدای کتاب نیامده است.

منابع

۱. اخوان، محمد، «کلینی و عقل‌گرایی»، *آینه پژوهش*، شماره ۸۱.
۲. حائری یزدی، مهدی، *شرح اصول کافی* (کتاب العقل والجهل، کتاب التوحید) تقریر پرویز پویان، حکمت، تهران، ۱۳۹۱ ش.

۱. مصباح یزدی، محمدتقی، *آموزش فلسفه*، ج ۱، ص ۳۳.

۳. دوانی، علی، *مفاخر اسلام*، بنیاد فرهنگی امام رضا علیه السلام، تهران، ۱۳۶۳ ش.
۴. سبحانی، محمدتقی، «عقل‌گرایی و نص‌گرایی» *نقد و نظر*، شماره ۳ و ۴، پاییز ۱۳۷۴ ش.
۵. الکشی، محمد بن عمر، *اختیار معرفة الرجال: المعروف برجال الکشی*، مؤسسه آل‌البیت، قم ۱۴۰۴ ق.
۶. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی، بی‌نا، تهران، بی‌تا.
۷. *مجموعه مقالات فارسی کنگره بین‌المللی ثقة الاسلام کلینی*، دارالحدیث، قم، ۱۳۸۷ ش.
۸. مدرّس طباطبایی، سید حسین، *مکتب در فرایند تکامل*، ترجمه، هاشم ایزدپناه، تهران، کویر، ۱۳۸۹ ش.
۹. مصباح یزدی، محمدتقی، *آموزش فلسفه*، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ ش.